

تبیین اخلاق اقتصادی ایرانیان، با باورهای آیینی یا دینی

با تکیه بر دوره مشروطه

سمیه توحیدلو^۱

چکیده

تلاش برای شناخت راه‌های بومی رشد و پیشرفت از جمله دغدغه‌های اساسی جامعه ایرانی در زمان حاضر بوده است. علیرغم چنین تلاشی، به نظر می‌رسد توجه به کنشگر و فاعل انسانی در امر توسعه مغفول واقع شده است. در این مقاله تأکید و توجه ویژه‌ای بر خصوصیات فردی ایرانی - در دوره مشروطه - در حوزه اقتصاد به عمل آمده و تلاش گردیده این خصائص در مقایسه و تطبیق با اخلاق اقتصادی روایت شده توسط ماکس وبر از دیگر ادیان و خصوصاً دین پروتستان قرار بگیرد. تعاملات انسان با خدا، انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با اقتصاد در این مطالعه مورد توجه قرار گرفتند تا شاید از منظر مقایسه بتوان به توصیف و تبیینی از چرایی عدم پیدایش «روح سرمایه‌داری» و عوامل دینی و آیینی تأثیرگذار بر آن در معنای وبری آن دست یافت. ابزار و روش مورد استفاده در این تحقیق نیز به تبعیت از وبر همان نمونه‌ی آرمانی خواهد بود.

واژگان کلیدی: اخلاق اقتصادی، رفتار اقتصادی، روح سرمایه‌داری، تاریخ مشروطه

مقدمه:

موضوع تجمیع ثروت و استفاده‌ی آن در فعالیتهای تولیدی و اشتغال‌زا از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی امروز ما در امر پیشرفت می‌تواند باشد. دغدغه‌ای که تنها راه اشتغال‌زایی و حل مشکل بیکاری هم قلمداد می‌شود. توجه و اهتمام ویژه به ترویج فرهنگ کارآفرینی و ایجاد فضایی که بتواند کارآفرینان موفق را به جامعه تحویل دهد، از جمله استراتژی‌های حاکم در این زمینه بوده است. بنابراین نقطه آغاز و شروع این مقاله از همین سوال و

^۱ . دکتراى جامعه‌شناسى توسعه از دانشگاه تهران: smtohidlou@gmail.com

اهتمام ویژه به دست آمده است. فرد ایرانی به واسطه‌ی تمامی آنچه به او به ارث رسیده اعم از دین، سنت و تاریخ، چه رفتاری در قبال ثروت دارد و تا چه اندازه برایش تولید ثروت ارزشمند است، چیزی است که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود. نظر به مشکلات اجتماعی^۱ کارآفرینانی که در این دوران و کمی پیشتر - قبل از انقلاب - می‌زیستند نشان از یک سنت دیرینه‌ای در میان ایرانیان دارد که تجمیع ثروت به تنهایی ارزشمند نبوده است؛ و یا حتی به نظر می‌رسد کسانی که در تمام عمر صرفاً به تولید و تجمیع سرمایه پرداخته‌اند، انسانهایی فاقد ابعاد گوناگون و مادی قلمداد شده‌اند که با تعریف سنتی انسان کامل - انسان معنوی - فاصله زیادی دارند. از دیگر سو این باورداشت تاریخی از عدالت که ثروت در دست هیچ انسانی جمع نخواهد شد مگر به بهره‌کشی از دیگران، خود عاملی بوده است برای مذموم قلمداد کردن ثروت اندوزی. چنین نحوه نگرشی که به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی کارآفرینان ایرانی یاد شده است، ریشه در تاریخ و نهادهای غیر رسمی ای دارد که متعلق به امروز و دیروز نیست.

به نظر می‌رسد این رفتارها درونی شده‌ی اخلاقی باشند که کنشگر ما آن را از طرق متفاوت درونی کرده است. در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که هنجارها و باورهای افراد تحت عنوان آموزه‌های اخلاقی درونی شده و در قالب کنش‌ها و رفتارهای ما به عینیت خواهد رسید. از این رو برای فهم اخلاق درونی شده‌ی افراد نیازمند مشاهده‌ی عینیات آنها در قالب رفتار و کنش‌ها هستیم. رفتار و کنش‌هایی که در این مقاله جابه‌جا استفاده می‌شود و مقصود از آنها همان کنش‌های نیت‌مندی است که می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه بر اقتصاد و عوامل اقتصادی تاثیرگذار باشد و یا اینکه بتوان از آنها تفسیر اقتصادی به دست داد. از این‌روست که واحد تحلیلی که از آن یاد شده همان اخلاق اقتصادی است و در نهایت دسته‌بندی‌هایی از این اخلاق به دست خواهد آمد، اما واحد مشاهده همان کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی و یا مرتبط و تاثیرگذار بر اقتصاد است.

نظر کردن به موضوعی خرد در دل تاریخ کاری بس وقت‌گیر و در اکثر مواقع غیر قابل انجام است، لذا برای روایت‌هایی از این دست نیاز به برگرفتن برشی از تاریخ وجود دارد، برشی که بتواند ما را به نتایج دقیق‌تر و تبیین‌هایی ارزشمندتر در ارتباط با مسائل روز جامعه برساند. آنچه از رفتار اقتصادی ایرانیان در این مقاله روایت خواهد شد متعلق به دوران مشروطه است. در واقع از دوره سلطنت ناصرالدین شاه به عنوان زمینه‌های شکل‌گیری جریانی که اغلب آن را به عنوان جریان مدرن بازشناسانده‌اند، تا برآمدن رضا خان. علت انتخاب این دوره نیز تنها به نوع برداشت عموم از آن دوران باز می‌گردد. در بسیاری از روایت‌های تاریخی، مشروطه به عنوان آغاز ارتباط ایران با غرب شناخته می‌شود. زمانه‌ای که از آن به عنوان نقطه‌ی عطفی در پیشرفت‌خواهی ایرانی یاد می‌شود. دورانی که بخشی از تحصیل‌کردگان ایرانی در غرب به ایران بازمی‌گردند. آثار و نتیجه‌ی اصلاحات امیرکبیر در عرصه آموزش تا حدودی نتیجه داده و تفاوت‌های بارزی در ساختارها و نهادهای اقتصادی دیده می‌شود. سفرهای متعدد شاه و اطرافیان به غرب نیز آنها را در مواجهه با دنیای مدرن قرار داده است.

^۱. قاعدتاً تنها بخش اجتماعی مشکلات مدنظر بوده و توجهی به موانع دولتی و بیرونی مد نظر نبوده است.

درواقع از اواسط دوران ناصرالدین شاهی است که نهادهای اقتصادی خود را نشان می‌دهند. تا پیش از آن تنها دستگاه بدون حساب و کتاب مالیه وجود داشته و بس. به مرور برآمدن دولتی با چند وزیر، تشکیل وزارت تجارت، راه یافتن بانک به داخل جامعه‌ی ایرانی، شکل‌گیری نهادهای مختلف اقتصادی اعم از مجلس و کلای تجار و مشابه آنها، ساختارهای اقتصادی را در کنار سایر ساخت‌ها می‌نشانند. هرچند این ساختارها تنها در حد ساختار و یک نام باقی می‌مانند و چندان قانون و نهادهای رسمی اقتصادی به دنبالشان به‌وجود نمی‌آید، اما به هر ترتیب، این دوران زمانی است که می‌توانسته زمینه‌ساز تشکیل اقتصاد مدرن در جامعه‌ی ایرانی باشد. طبیعتاً ورود چنین ساختاری به جامعه ایرانی رفتارها و کنش‌های اقتصادی ایرانیان را نیز می‌تواند برجسته سازد. حضور حداکثری تجار و فعالیت ایشان در زمان مشروطه نیز ناظر به اهمیت امر اقتصاد در فعل و انفعالات آن روزگار است. بنابراین این دوره تاریخی می‌تواند به عنوان لحظه‌ای که به گمان بسیاری زمان تغییرات بزرگ در امر اقتصاد است، نمونه خوبی برای مطالعه تاریخی باشد.

با توجه به آنچه ذکر آن رفت می‌توان سوال اصلی‌ای را که در این مقاله قرار است بدان پرداخته شود اینگونه صورتبندی نمود که:

اخلاق اقتصادی‌ای که ایرانیان دوران مشروطه بدان متصف بوده‌اند کدام‌ها بوده است؟

نوع نگاه مردم به موضوعاتی چون، ثروت، سرمایه، کار و ... تحت تأثیر نگاه دینی یا باورهای سنتی ایشان شکل گرفته است؟

مروری بر ادبیات موضوع

همانگونه که از سؤال‌های ذکر شده برمی‌آید توجه به موضوعاتی چون ثروت و سرمایه و همینطور شناخت اخلاق اقتصادی ایرانیان برآمده از باورهای دینی یا آیینی، هدف این مقاله است. پرداختن به مقولاتی که باعث خلق فرهنگ کار در جامعه می‌شود نیز در زمره این اخلاق جای می‌گیرد. در میان کسانی که به موضوع سرمایه، روح سرمایه‌داری و یا تجدد در تاریخ ایران نظر کرده‌اند می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد. هرچند که تحلیل و نظرات ایشان بسیار قابل استفاده است، اما از آنجا که دامنه‌ی مطالعه این مقاله و همینطور واحد مشاهده و واحد تحلیل آن با این کارها متفاوت است، لذا می‌توان انتظار نتایجی متفاوت را داشت. نتایجی که در کنار هم می‌تواند به شناسانده شدن گذشته تاریخی ایران و رفتار اقتصادی ایرانیان کمک نماید.

به عنوان مثال احمد اشرف با بررسی "استبداد موروثی آسیایی" (اشرف، ۱۳۴۷) و کاتوزیان با بررسی "استبداد ایرانی" و یا "جامعه خشک و منزوی" (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۷) از منظری که جامعه‌شناسان چپ و مدافع نظام "استبداد شرقی" بدان پرداخته‌اند، به شکل نگرفتن نهاد مدرن در کشور اشاره نموده‌اند. دیدگاه دیگر کسانی هستند که تاریخ ایران را از خلال "نظریه‌های وابستگی" بررسی می‌کنند و توسعه وابسته ایرانی را دلیلی برای شکل

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نگرفتن نهادهای مدرن در جامعه بر می‌شمرند. جان فوران در کتاب مقاومت شکننده چنین نگاهی را بررسی کرده است. (فوران، ۱۳۸۳) دسته سوم به دنبال مفاهیم مارکسیستی کلاسیک و شیوه تولید فئودالی در ایران بوده‌اند. مورخان شوروی تبار مانند پتروشفسکی (کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران) جدی‌ترین تلاش را برای مفهوم‌یابی روابط اجتماعی فئودالی در تاریخ ایران به عمل آورده‌اند. (ولی، ۱۳۸۰) کتاب احمد سیف نیز درباره ایران قرن نوزدهم، با این دیدگاه نوشته شده است. (سیف، ۱۳۷۳)

در کنار نظریات فوق وجود نظریات متعددی درباره سرمایه‌داری دولتی را نیز می‌توان اضافه نمود، که تمامی به نوعی به مناسبات جامعه با ساختارهای کلان سیاسی در ایران می‌پردازد. ونسا مارتین شرق شناس معاصر چنین نگاهی به دولت و وضعیت دوران قاجار و مشروطه دارد. تمامی رفتارهای اقشار مختلف و حتی دولتمردان و نیز رفتار و روابط ایران با دیگر کشورها را از منظر موازنه‌ای می‌بیند که دولت در تلاش برای حفظ آن است و استقلال ظاهری ایران در طول این سالها از نظر خارجی و همچنین همراهی گروه‌ها و اقشار مختلف در داخل کشور از بعد داخلی، را از نتایج آن می‌داند. (مارتین، ۱۳۸۹) در واقع چنانچه گفته شد، می‌توان اینگونه ارزیابی نمود که برداشت‌ها و تحلیل‌های به عمل آمده از وضعیت سرمایه‌داری، از بالا (دولتی و یا وابسته) قلمداد می‌شده است.

البته بوده‌اند گروهی که از خلال طبقات اجتماعی و منازعه گروه‌ها به بررسی وضعیت اجتماعی ایران پرداخته‌اند. مانند آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب. (آبراهامیان، ۱۳۷۷) سید جواد طباطبایی در تاریخ انحطاط ایرانیان نیز از منظر نوع نگاه نخبگان و روشنفکران و همینطور آثار خلق شده آنان درباره تاریخ ایران، به تحلیل پرداخته است. (طباطبایی، ۱۳۸۰) نویسنده دیگری که به تازگی با نگاهی غیر کلان تر و با توجه به اقشار اجتماعی فعال در تاریخ مشروطه به تاریخ نگاه کرده است ژانت آفاری است. پژوهشگری که به جنسیت، طبقات، اقوام و اقشار مختلف برای تحلیل تاریخ نظر می‌افکند. (آفاری، ۱۳۷۹) نیکی کدی نیز از جمله کسانی است که در روایت تاریخ خود، خصوصاً در دوره مشروطه نخبگان بازار و اقتصاد را مورد تحلیل قرار می‌دهد و بدین سان شرایط اقتصادی و اجتماعی آن روزگار را روایت می‌کند. (کدی، ۱۳۸۱)

در بین مورخان گوناگون هم نگاه‌های مختلفی وجود دارد. گروهی که با پذیرش دموکراسی غربی نگاهی انتقادی به تاریخ مشروطه دارند. دیگرانی که تحت تاثیر نگاه سوسیال دموکراتیک آن زمان که نشأت گرفته از انقلاب سوسیالیستی روسیه در سال ۱۹۰۵ میلادی است، درباره مشروطه ایرانی سخن گفته‌اند، یا کسانی که از خاستگاه مذهبی درباره این واقعه قلم زده‌اند. این گروه بیشتر راویان تاریخ هستند. کسانی که کار ایشان را در زمره تحلیل‌های تاریخ قرار نداده و برای روایت تاریخ از آنها وام می‌گیریم. ناظم الاسلام کرمانی، یحیی دولت‌آبادی، مهدی ملک‌زاده، احمد کسروی، فریدون آدمیت و ... از این جمله‌اند.

برخی دیگر از راویان نیز نگاهی موضوعی به تاریخ داشته‌اند. از آن جمله که بیشتر با موضوع این پژوهش سر و کار دارد، می‌توان به تاریخ اقتصادی ایران در دوران قاجار نوشته چارلز عیسوی و تجار، تاریخ مشروطه و دولت مدرن نوشته سهیلا ترابی فارسانی اشاره کرد.

روایت‌ها و پژوهش‌های تاریخی متکثرتر و فراوان‌تر از آن است که بتوان اینجا به تمامی بدان اشاره نمود. اما غرض از این دسته‌بندی پرداختن به زاویه‌های مختلف نگاه به تاریخ است. مطالعاتی در سطوح تحلیلی پهن دامنه که اغلب ساختارهای کلان موضوع مورد نظر پژوهش‌هاست. از طرف دیگر به لحاظ موضوعی نیز می‌توان چنین دریافت که پژوهش‌های مرتبط با وضعیت سرمایه‌داری و مسائل اقتصادی هم به گونه‌ای دارای رنگ و بوی سیاسی یا اقتصادی (تحت تاثیر سیاسیون و یا اقتصاد دانان) قوی‌تری بوده‌اند؛ نگاهی که هرچند کارآمد می‌نماید، اما ناکافی به نظر می‌رسد و جای پژوهش‌های اجتماعی خردتر با تاکید بر نهادهای غیر رسمی و غیر پهن دامنه را خالی نشان می‌دهد.

آنچه موضوع اصلی این مقاله است موضوع اقتصاد و رفتار و کنش‌های اقتصادی است. آنچه مهم است نه سیاست‌های اقتصادی خالق مشروطه که رفتارهایی است که مردم در قبال ثروت داشته‌اند. سبک‌های زندگی ایشان از منظر اقتصادی و نیز باورهای ایشان درباره کار، پول و ثروت موضوع این کار است.

وبر و اخلاق اقتصادی ادیان

عمده فعالیت وبر در زمینه اخلاق اقتصادی مربوط به "کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری" و همینطور مقالاتی است که در زمینه اخلاق اقتصادی در دیگر ادیان به تبع رسانده است. وبر با اشاره به آموزه‌های کالونی و لوتری سعی دارد تفاوت کنشی را که این دو آموزه دینی ایجاد میکند، شفاف سازد. در واقع بر این باور است که زهدگرایی اخلاقی کالونیستی فضایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به روح سرمایه‌داری و به دنبال آن انواع پیشرفت شود. بنابراین در آثار وبر تعاریف موجود از اخلاق اقتصادی و یا حتی کنش‌هایی که نمایای این اخلاق هستند، اغلب مصبوغ و مسبوق به دین و انواع باورهای منفک از دین است. هرچند که تنها عامل آن نیستند. وبر اخلاق پروتستانی و یا کالونی را به عنوان نمونه‌ی آرمانی اخلاق اقتصادی‌ای در نظر می‌گیرد که می‌تواند منجر به پیدایش روح سرمایه‌داری شود. همین ایده است که باعث می‌شود کلیه آثار دیگر وی درباره ادیان به گونه‌ای در مطابقت با نوع نگاه کالونی تعریف شود. در واقع اگر اخلاق اقتصادی کالونی به عنوان نمونه آرمانی و سرآمد اخلاق مذهبی در نسبت با روح سرمایه‌داری تعریف شود، انواع دیگری از اخلاق اقتصادی وجود دارد که رنگ ادیان یا باورهای دیگری را به خود گرفته که نتیجه آنها کنش‌های سنتی و عاطفی بوده است. کنش‌هایی که عقلانی نبوده و یا حداقل زمینه‌ساز پیدایش روح سرمایه‌داری و نگرش مدرن به جامعه نیستند.

کار وبر در خلال این سال‌ها انتقادات و تکمله‌های متعددی خورده است. پرداختن به تمامی آنها نه در این مقاله می‌گنجد و نه می‌تواند کمکی به ساماندهی نظری آن نماید. طبیعتاً پذیرش چارچوب و نوع نگاه عقل‌گرایانه وبر فاصله‌ای را با بسیاری از نقدهای متعلق به مکاتب دیگر ایجاد خواهد کرد.

با توجه به دلالت‌های فوق می‌توان کار نظری این پژوهش را از منظر وبر به شرح زیر صورتبندی نمود:

- موضوع اصلی و سوال اصلی ما توصیف وضعیت اخلاقی و اقتصادی ایرانیان بوده است. شناخت صورت‌های مختلف باور اقتصادی با کمک مفهوم «روح سرمایه‌داری» وبر و شرایط پیدایش و ظهور آن می‌تواند امکان‌پذیر باشد. روح سرمایه‌داری از مفاهیم داغ و حساس مورد نظر وبر بوده است.
 - موضع مورد توجه وبر در اغلب آثارش "اخلاق اقتصادی" بوده است. اخلاق اقتصادی و کم و کیف آن است که عاملی در پیدایش روح سرمایه‌داری می‌شود. اخلاق اقتصادی خود منفک از برخی باورهای دینی و عوامل آیینی‌ای است که افراد به شکل اکتسابی در دوران اجتماعی شدن در جامعه می‌آموزند. آنچه در این کار مورد توجه اساسی قرار می‌گیرد اخلاق اقتصادی است. اخلاق اقتصادی می‌تواند همانند آموزه‌های منتج از کالوین، فرهنگی خاص را ایجاد نماید که منجر به پیدایش روح سرمایه‌داری شود، همینطور می‌تواند تحت تاثیر ادیان دیگر، سنت‌ها و باورهای مرسوم از اخلاق اقتصادی کالوینی فاصله بگیرد. وبر عنوانی که بر این نوع اخلاق که منتج از آداب و رسوم سنتی تر و یا ادیان با آداب ویژه خود شکل می‌گیرد را اخلاق اقتصادی سنتی نام نهاده است. در واقع "اخلاق اقتصادی کالونی" و "اخلاق اقتصادی سنتی" دو سنخ آرمانی اساسی برای این مطالعه نیز می‌تواند باشد، که با توجه به نظریات وبر صورتبندی شده است. «مراحل تاریخی مهمی وجود دارد که جامعه ای در این مراحل دست به انتخاب‌هایی می‌زند و او این انتخاب‌ها را دوتایی می‌داند، انتخاب میان روندی که به پیشبرد تفکیک گستره‌های حیات کمک می‌کند و روندی که شیوه‌های سنتی کنش‌گری را تداوم می‌بخشد.» (کرایب، ۱۳۸۹؛ ۳۸۳)
 - آنچه از روش‌شناسی فردگرایانه وبری حاصل می‌شود توجه به موارد خاص و نمونه‌هایی است که رفتار نیتمند داشته‌اند و بررسی و مقایسه آنهاست. اتفاقی که به لحاظ روشی در آثار او بسیار افتاده است و بنا براین است که در این مقاله نیز از همان روش استفاده شود. (وبر، ۱۳۸۷: ۶۸)
 - در عمده کارهای وبر، جهت برقراری ارتباط بین باورهای دینی و اخلاق اقتصادی منفک از آن، بر نحوه سلوک و رفتارهای آیینی ادیان توجه ویژه مبذول گشته، چرا که این بخش از منظر وبر مبتنی بر روان‌شناسی اجتماعی ادیان بوده و قابلیت کار جامعه‌شناسانه را دارد. در این کار نیز نمی‌توان از آیین‌ها و مظاهر دینی و سنتی پذیرفته شده نزد ایرانیان چشم پوشید.
- «نه آموزه اخلاقی یک مذهب بلکه سلوک اخلاقی ناشی از آن است که دارای فواید روان‌شناختی متناسب با تلقی هر مذهب معین از فواید آموزش "خلق و خوی" خاص آن مذهب به معنای "جامعه‌شناختی" کلمه را تشکیل می‌دهد. برای پیوریتنیسم این سلوک نحوه ای از زندگی بود که به نحو روشمند و عقلانی تعیین شده بود و در شرایط معین راه "روح" سرمایه‌داری جدید را هموار نمود.» (وبر، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

مفاهیم حساس وبری

باتوجه به اینکه روش کار مطالعه تاریخی است و با نظر به شاکله‌ی کار که خوانش تفهیمی از تاریخ مدنظر قرار دارد، لذا همانند دیگر روش‌های کیفی می‌بایست رجوع به اسناد را بر اساس سوال اصلی و مفاهیم داغ و حساسی که تجارب پیشین و چارچوب نظری به‌دست می‌دهند، آغاز نمود.

تشابه مسئله و صورت‌بندی اصلی کار با نمونه کار وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، برخی از مفاهیم اساسی را که در کار وبر پراهمیت شمرده می‌شود، به دست می‌دهد. این مفاهیم به گونه‌ای همان تبیین‌کننده‌های روح سرمایه‌داری در غرب نیز بوده است.

وبر با تحلیل چند مدرک معتبر در تاریخ غرب گذر از سه‌گروه اساسی تاریخی و تلفیق این سه شرط و خصوصیت را زمینه‌ساز آنچه روح سرمایه‌داری می‌داند، برمی‌شمرد. اخلاق فرانکلین، مفهوم 'breuf' در اندیشه‌های لوتری و آموزه‌های زهدگرایانه‌ی کالونی. از خلال هر کدام از این آموزه‌ها و باورها بخش‌هایی از آنچه بدان اخلاق پروتستانی گفته شده شکل گرفته است. بر این اساس مفاهیم مرکزی این پژوهش با توجه به نظریات وبر از این قرار خواهد بود:

روح سرمایه‌داری: روح سرمایه‌داری به عقیده ماکس وبر مبتنی بر وجود نوعی از بنگاه‌های تولیدی که رسیدن به حداکثر سود هدف آنها و سازمان عقلایی کار و تولید وسیله آنهاست. همین پیوند میل به سود، به انضباط عقلانی است که از لحاظ تاریخی وجه تمایز خاص سرمایه‌داری غربی را تشکیل می‌دهد. آدم‌های حریص و پول‌پرست در همه جوامع شناخته شده جهان وجود داشته‌اند اما مورد نادر و احتمالاً یگانه وجود این گرایش است که میل به پول‌پرستی نه از طریق فتوحات، سوداگری یا ماجراجویی بل از راه گردن نهادن به انضباط و استفاده از علم ارضاء شود. (آرون، ۱۳۸۶: ۶۰۱)

ماکس وبر در بخش اقتصادی کتاب اقتصاد و جامعه درباره تعاریف سود و سرمایه، یا مبادله و بازار و نیز انواع مطلوبیت‌ها سخن رانده است. اما به نظر می‌رسد توجه ویژه‌ای که در اخلاق پروتستان به مفهوم سرمایه‌داری دارد جدای از تعاریف اقتصادی مشروحه است که از مفاهیم اقتصادی چه توسط وبر و چه دیگر اقتصاددانان به دست داده‌اند. هرچند که در تعریف سرمایه‌داری تمایز از ثروت جویی را مد نظر قرار داده است اما با تقابل قائل شدن بین سنت‌گرایی و سرمایه‌داری به وجهه اجتماعی این مفهوم پرداخته است.

از طرف دیگر او با اضافه کردن روحیه حرفه‌ای و ارزش بخشی به کار و تبدیل شغل به تکلیف، در تعاریف مختلف بر عنصری اجتماعی و فراتر از اقتصاد دست‌گذارده است. وجهه‌ای که با عنوان "روح سرمایه‌داری" بخش زیادی از بار معنایی متفاوتش را از مفهوم سرمایه و مطلوبیت مبادله نشان می‌دهد. اینجاست که برای نشان دادن ماهیت این روح و روحیه به سراغ آموزه‌های فرانکلین رفته و آنها را زمینه‌ساز اخلاق پروتستانی می‌خواند.

آموزه‌های فرانکلین برای به دست آمدن روح سرمایه‌داری:

۱. وقت طلاست.

۲. اعتبار، سرمایه است.

۳. به یاد داشته باش که پول دارای ماهیتی زیاد شونده و مولد است. پول می‌تواند پول بزیاید و اخلاف آن می‌توانند بیشتر بزیابند و به همین ترتیب الی آخر.
۴. آدم خوش حساب شریک مال مردم است.
۵. حساب درآمد و هزینه‌ها را به دقت نگه‌دارید - از پول خرد مراقبت کنید. اسکناس از خود مراقبت خواهد کرد.
۶. همواره به دوراندیشی و سخت‌کوشی خود را بشناسانید. وقت را بیهوده تلف نکنید. کل پولی که بیهوده صرف‌گردد نه تنها ارزش خود را از دست داده است بلکه پولی را که می‌توانست تولید کند نیز از دست داده است.

خیر اعلی در این اصول اخلاقی که کسب هرچه بیشتر پول است آمیخته با پرهیز شدید از تمام لذایذ آنی زندگی و بالاتر از همه کاملاً عاری از هر آمیزه لذت‌گرایانه است. این امر آنچنان مطلقاً هدفی در خود تصور می‌شود که از دیدگاه عادت فرد مفرد یا منفعت او کاملاً غیر مادی و مطلقاً غیر عقلانی به نظر می‌آید. آدمی محکوم به پول در آوردن و "کسب" به عنوان هدف غایی زندگی اش است. (کرایب، ۱۳۸۹: ۴۰۷-۴۰۹)

آنچه به عنوان روح سرمایه‌داری از آن یاد می‌شود پیوند نزدیک و ناگسستنی با ارزش بخشیدن به کار و استفاده از تمام قوا و استعدادهای انسانی در راه تولید و به کارگیری مجدد سرمایه دارد و از این روست که با مشوق‌های دینی و اجتماعی نوعی ریاضت‌کشی اقتصادی را زمینه‌ساز پیدایش روح سرمایه‌داری می‌داند. نوع خاصی از دینداری که به گونه‌ای به مذمت ثروت شهره‌اند نیز در این نوع نگاه به سرمایه‌داری به کمک می‌آیند.

«ثروت فقط هنگامی که موجب بطالت و لذت‌جویی گناه‌آمیز شود، از نظر اخلاقی مذموم است. ثروت اندوزی وقتی بد است که هدف خوشگذرانی و بطالت باشد، ولی کسب ثروت از طریق انجام وظیفه در یک تکلیف نه تنها اخلاقاً جایز است، بلکه عملاً توصیه شده است.» (وېر، ۱۳۸۰: ۱۴)

آموزه‌های کالونی: بطور خلاصه ویژگی‌ها و شاخص‌های این اخلاق که مورد توجه و برقرار گرفته و در واقع سنخ آرمانی وی برای مطابقت با دیگر ادیان شده، از قرار زیر است:

- ارزشمندی کار به عنوان عاملی برای افزایش اعتماد به نفس، عاملی دفاعی در برابر وسوسه‌ها، عاملی برای اجرای اراده خدا و غایت زندگی انسان. ملاک ارزیابی کار ثمرات دنیایی آن خواهد بود.
- الزام‌ها و ارزش‌های صریح: نگرش منفی نسبت به هنر، روابط جنسی و نفی همه اعمال جادویی، نمادگرایی، مراسم اعتراف به گناه و تشریفات دفن مردگان، نگرش تحقیرآمیز نسبت به فقر و فقرا، بی‌اعتمادی به روابط انسانی در عین حال اتکا به درستکاری، انزوای عمیق درونی، نفی لذایذ نفسانی و شادی‌های دنیوی، گناهکار منفور و دشمن پروردگار.
- سبک زندگی پذیرفته شده: عقلانی، حذف انواع تقدس‌ها از سنت، اعتقاد به پلورالیسمی که در آن اوج اخلاقی معنا ندارد، اعتقاد به دین برای بهره‌برداری‌های دنیوی پذیرفته شده، خویشتن‌داری هوشیارانه و سرکوب‌خواسته‌ها، مخالفت با تن‌آسایی، استفاده منظم از سرمایه، صاحب اخلاق تجارت و عاملی برای اعتماد دیگر مؤمنان، مسئولیت اخلاقی تراکمی، یاری‌دهنده نظم بوروکراتیک، باور به رسالت انسان در زندگی یا beruf

- به لحاظ ساختاری شهر مهم‌ترین مکان بروز و ظهور این دین. در شهر حالت خلسه ریاضت کشانه از دست می‌رود و عرفانی رنگ پریده‌تر ظاهر می‌شود.
- روحانیون به عنوان رهبران دینی به دنبال عبادات مذهبی و وظایف ارشادی، تصویری غیر شخصی از رهبران دینی وجود دارد و به شکل یک "روح آسمانی" از احترام برخوردارند.
- انسجام درون دینی و گسیختن از قیود خویشاوندی، شمول ناپذیری اجتماعی

اخلاق اقتصادی ادیان مختلف

وبر در مجموعه کارهایی که درباره تمدن‌های مختلف انجام داده است به آیین و تمدن چینی (کنفوسیوس)، آیین‌های کاست‌ها در هند، آیین و اخلاق یهودیت در فلسطین و اخلاق و منش پروتستان‌ها اشاره دارد. در انتهای عمر خویش نیز پژوهشی ناکامل بر روی اسلام انجام داده است. ویژگی نوشته‌های وبر درباره تمدن‌های مختلف این است که آنها را از منظر رشد و پیشرفتشان مقایسه می‌کند. در واقع اخلاق پروتستان برای وبر نمونه‌ای آرمانی و تاثیر گذار بر روح سرمایه‌داری بوده است. در سایر مطالعات وبر درباره دین و تمدن‌ها، این نگاه تطبیقی وجود دارد.

از مطابقت آنچه وبر درباره ادیان مختلف به دست داده می‌توان به جدول انطباقی زیر رسید. در واقع جدول زیر خلاصه‌ای از صورتبندی ادیان و فرهنگ‌های مختلف است. این فرهنگ‌ها زمانی قابلیت مطالعه‌ی اجتماعی دارند که نقش ایشان در کنش‌های اجتماعی و روابط بین افراد با دیگر افراد، گروه‌ها، ساختارها و مفاهیم دیگر مشخص شود. از این‌روست که روابط بین آدمیان تحت عناوینی چون رابطه انسان با دیگر انسان‌ها، رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه‌ی انسان با طبیعت و هستی و رابطه‌ی انسان با خودش تقسیم‌بندی شده است. از طرف دیگر نشان دادن موضع ایشان نسبت به مفاهیم اقتصادی اعم از ثروت و سرمایه (نمادین و غیر نمادین) برای شناخت اخلاق اقتصادی ارزشمند بوده است. بررسی تعاملات انسانی برای شناخت فرد و کنشگر اقتصادی ارزشمند است. بنابراین شاخص‌های ارتباطی که ذکر آن رفت هم در این جدول لحاظ خواهد شد و هم در نهایت توصیف رفتار و اخلاق ایرانیان با توجه به همین شاخص‌های ارتباطی و اقتصادی نشان داده خواهد شد.

داده‌های جدول زیر به تمامی از مقالات و کتب وبر به دست آمده است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

جدول ۱: مقایسه اخلاق‌های مختلف نشأت گرفته از ادیان^۱ از دید وبر

موضوع	اخلاق پروتستان	اخلاق کنفوسیوس	اخلاق هندو	اخلاق یهودی	اخلاق اسلامی
انسان و خدا	اعتقاد به خدایی فرا دنیوی، نفی جادوگری	اعتقاد به نظم کیهانی، مدارا با جادوگری	اعتقاد به متافیزیک، اعتقاد به ثنویت (خدای شخصی و عقیده به ذاتی الوهی) باور شدید به سحر و جادو	انسان ابزاری در دست خدا، امت خاص خداوند بودند، یهوه و لعل خدای مورد پرستش ایشان	اعتقاد به خدای واحد
انسان و جهان	سازگاری با جهان از طریق تلاش بی وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی، آرمان دگرگونی بالنده	انطباق با دنیا، برای حفظ هماهنگی بین آسمان و زمین، آرمان نظم	کثرت‌گرایی اخلاقی و تاملات عرفانی و بی‌اعتنایی به جهان برای رسیدن به نجات عمومی	به دنبال آرامش در پرتو خدا، عرضه‌کننده خردگرایی اخلاق‌گرایانه	اسلام حاوی لذت و طرد توأمان با توجه به گروهی که در آن حضور دارند. جنگجویان صوفیه یا تشیع
هدف از خلقت	خویشتن‌داری هوشیارانه به منظور مهار طبیعت شرورانه، انشا و تحقق اراده الهی	خویشتن‌داری هوشیارانه به منظور حفظ شأن و رسیدن به کمال نفس	خویشتن‌داری به جهت داشتن زندگی بهتر در زندگی بعدی و ترفیع در کاستی که در آن متولد می‌شوند (تناسخ ارواح)	جهان در آینده جایی برای حکمرانی یهودیان خواهد بود. رسیدن به فضیلت نزدیک، عمر طولانی و خوش‌نامی	به ظاهر رستگاری اخروی. اما تبدیل به آماده‌سازی افراد برای مبارزه با اهداف مختلف گشت.
انسان و پیامبری سنت و جهان را	پیامبری سنت و جهان را	نبود پیامبری ناشی از حرمت	اعتقاد به قدرت‌های برهمن	پیامبران بی‌شمار چه در	پیامبر اسلام آداب و رسوم

^۱ - ایده اولیه از جدول مقایسه پیوریتنیسم و آیین کمفوسیوس توسط بندیکش گرفته شده است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

رهبری دینی	بدان گونه که هست شیطانی جلوه می دهد. انسان به مدد تلاش خود نمی تواند به خیر و نیکی دست یابد.	و خدشه ناپذیری سنت، انسان می تواند از خشک ارواح پرهیز کند و خوب باشد به شرط آنکه رفتار درستی داشته باشد. حضور ادیبان	ها به عنوان روشنفکران و روحانیون خانوادگی. احترام به مرتاض ها.	نقش پیامبر ناب و روحانی و چه در نقش پادشاه. ارتباطشان با پیامبران راستین در حد استهزا بود. پیامبران قدرتمند بر ایشان حکمرانی می کردند.	اولیه را منطبق بر آداب و عادات همان بادیه نشینان وضع کرد و تغییرات عمده ای در ابتدا نداد.
روابط انسانی	تبعیت همه مناسبات انسانی از وظایف انسان در برابر خداوند	وفاداری به خانواده به عنوان عنوان اصلی حاکم بر همه روابط انسانی	اعتقاد به تقدس روابط خویشاوندی و پایبندی به کاست و قبیله و روابط صلب درون کاستی	آریستوکراسی نظامی در گروه های خویشاوندی، گروه های قبیله ای یا خانوادگی گسترده با کیش و نیای مشترک	پیرو اخلاق قبیله ای و انسانی و نه یک جهان بینی مذهبی
اخلاق اقتصادی	قانون و توافق عقلانی به مثابه مبنای معاملات تجاری، قانون ها و انجمن های داوطلبانه ، قانون و تشکیلات اداری عمومی	روابط خویشاوندی به منزله زمینه دادو سندهای تجاری ، قانون ها و انجمن های داوطلبانه ، قانون و تشکیلات اداری عمومی	کاست و روابط قبیله ای زمینه روابط تجاری. تقابل فرهنگی به واسطه مستعمره بودن، علاقه به شغل دولتی. دارمای حرفه ای خود را داشتند.	قراردادهای محکم و مؤید به سوگند، برادری حمایت از بدهکاران و بیگانگان در کنار سنت جنگ و جهاد. اعتقاد به عمل	روحیه لذت جویانه صرف . دین امساک و زهد این جهانی نبود
سرمایه اجتماعی	اعتماد به همه برادران دینی	عدم اعتماد به همه افرادی که عضو خانواده گسترده نیستند	اعتماد به اعضای کاست و ممنوعیت ارتباط و ازدوا با دیگر کاست ها	آیین برادری و اعتماد به هم کیشان و سلامت در اخلاق	اعتماد داخل قبیله ای

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

تجملات و دارایی باعث افتخار. علاقمند به کشورگشایی به جهت کسب غنلم	انسان برای عمل زاده شده است. ثروت به مثابه مبنایی برای حفظ شأن و رسیدن به فضیلت نزدیک	عدم تعلق انسان به این دنیا و نفی ثروت. ارزشمندی زمین و اعتبار کاست ها بر اساس مالکیت زمین	ثروت به مثابه مبنایی برای حفظ شأن و رسیدن به کمال نفس	ثروت به مثابه وسوسه و نتیجه جنبی یک زندگی توأم با فضیلت	نگاه به ثروت و سرمایه
---	---	---	---	---	-----------------------

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

با توجه به اینکه وبر اخلاق اقتصادی دیگر ادیان را در مقابل اخلاق کالونی - پروتستانی قرار داده است، اگر قرار به ساختن سنخ آرمانی‌ای در مقابل اخلاق پروتستانی باشد، می‌توان با توجه به جدول مقایسه‌ای آیین‌های مختلف، مواردی به قرار زیر را به دست آورد:

- منزله‌گرایی زاهدانه، عرفان‌گرایی ناب و نادیده گرفتن جهان
- انجام وظایف سنتی از روی وجدان به جای استفاده از نظام زندگی عقلانی پیوسته
- توجه به نیت اعمال به جای خود عمل و ثمراتش
- نوع نگاه به گناه و جهت‌گیری تأملی
- فراغت از هرگونه تکلیف و رسالت دنیوی
- کم‌منزلت بودن کار و توجه به آن صرفاً به جهت گذران حداقلی مایحتاج زندگی
- ناامیدی از رستگاری به سبب انجام گناه
- اتلاف وقت زیاد
- عقلانی نبودن باورهای اقتصادی
- نگاه منفی به ثروت و سرمایه و تجمع آنها
- قضاوت، معامله و ... بر اساس تصمیمات ذهنی و آنی دولتمردان و شخصیت‌های مذهبی - نبودن قانون مدون
- قوانین خاص دینی که مانع از توزیع ثروت شود
- تمایلات و لذا اید آنی این جهانی - زندگی در حال
- اعتبار خرافات و باورهای سنتی غیر عقلانی (قدسیت بخشی به سنت‌ها)
- کم‌توجهی به مشاغل تولیدی و صنعتی و اعتبار بخشیدن تنها به کشاورزی و زمینداری
- قدسیت نهاد دینی و روحانیون
- محدود شدن کنش‌های نسبتاً عقلانی تنها به دسته‌ای معطوف به ارزش‌ها
- استیلاي روابط خویشاوندی و قبیله‌ای بر تصمیم‌گیری‌های مختلف

بر اساس مطالعات وبر در زمینه اخلاق اقتصادی به دو سنخ آرمانی در این زمینه می‌توان رسید. این دو سنخ آرمانی در واقع همان زوجی‌های مورد نظر وبر بوده، که یکی نهایت اخلاق اقتصادی تأثیرگذار بر روحیه سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. این سنخ از منظر وبر همان اخلاق کالونی یا پروتستان است. اما در نقطه مقابل آن تمام خلیات سنتی‌ای است که وبر در مطالعاتش در سایر ادیان صورت‌بندی کرده است. در مجموع این دو سنخ آرمانی در موضوعاتی با محورهای زیر دارای شاخص‌هایی هستند:

- رابطه انسان کنشگر با خدا
- رابطه انسان کنشگر با جهان
- رابطه انسان کنشگر با مفهوم از هستی

- رابطه انسان کنشگر با نخبگان
 - رابطه انسان کنشگر با دیگر انسان‌ها
 - سرمایه اجتماعی کنشگران
 - اخلاق اقتصادی کنشگران
 - باوری که در ارتباط با تجمیع سرمایه میان کنشگران وجود دارد
- با توجه به محورهای فوق‌الذکر شاخص‌های هر دو سنخ آرمانی به دست آمد. رجوع به تاریخ و توالی‌های مکرر و بررسی و مشاهده کنشگران اقتصادی ایرانی در دوره‌ی مشروطه با کمک همین شاخص‌ها امکان‌پذیر بوده است. از این رو مطالعه‌ی تاریخی اسناد، خاطرات، سفرنامه‌ها و دیگر کتب تاریخی و با بهره‌مندی از شاخص‌های یادشده وبری می‌توان توصیفی از اخلاق اقتصادی ایرانیان به دست داد.

توصیف اخلاق اقتصادی ایرانیان

همانگونه که در بالا مشاهده گردید نتیجه تجربه ماکس وبر درباره‌ی بررسی اخلاق اقتصادی در میان باورمندان به اخلاق پروتستان، کنفوسیوسی، هندو، یهود و اسلام در جدولی ارائه شد. درواقع تجمیع نگاه‌های این گروه‌ها در انواع تعامل‌های انسانی اعم از تعامل انسان با خدا، انسان با جهان و طبیعت، انسان و رهبری دینی، انسان و انسان، انسان و سرنوشت، انسان و سرمایه و نیز سرمایه نمادین ایجادکننده سنخ‌های آرمانی‌ای بود که مفاهیم حساس را می‌ساخت و این پژوهش را در مطالعه تاریخ راهنمایی می‌نمود.

با توجه به همان مفاهیم اولیه و تفاوت‌هایی که در انواع اخلاق سنتی و پروتستانی از منظر اقتصادی به دست آمد، و با نظر به مطالعاتی که در میان کتب تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و دیگر اسناد موجود از آن دوران به انجام رسید، شاخص‌هایی از اخلاق اقتصادی ایرانیان فراهم شد. شاخص‌هایی که روایت‌گر ویژگی اخلاقی ایرانی است. یکی از ساده‌ترین راه‌ها مقایسه و تطبیق این اخلاق با اخلاق پروتستانی وبر است. جدولی که در زیر می‌آید توصیفی است از وضعیت اخلاقی در دوره مورد مطالعه. طبیعتاً این رفتارها که سازنده و یا برگرفته از اخلاق اقتصادی است در زمینه‌ای از تاریخ و اجتماع قرار می‌گیرد. مقوله‌های یاد شده حتی اگر شامل ویژگی‌هایی که مستقیماً در ارتباط با اقتصاد هستند نباشد، لاجرم به گونه‌ای دیگر بر روی اقتصاد اثرگذار خواهند بود. جدول زیر در راستای مشاهده و توصیف رفتار اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه برآمده است.

جدول شماره ۲: مقایسه اخلاق ایرانی و اخلاق پروتستان

موضوع اخلاق پروتستان توصیفی از اخلاق اقتصادی در ایران بر اساس ایده آل تایپ های وبری ارائه شده در فصل چارچوب نظری

انسان و خدا اعتقاد به خدایی فرا دنیوی، نفی جادو سرنوشت اعتقاد به خدای واحد و قادر مطلق و واضح تقدیر و سرنوشت - سرنوشت

دینداری سنتی - خداپرستی بدون تعصبات دینی - اعتقاد و اجرای ظواهر دین مثل خمس و زکات، نماز و روزه، مجالس روضه خوانی و نذری دادن - ترک امور ظاهری باعث ترک اعتبار در جامعه می شد. تحویل هر امر به خدا و امام زمان (جایی خارج از خویشتن و جامعه) - حتی فقر و نداری و هر بلایی تحویل به سرنوشت و تقدیر خواهد شد.

تلاش برای عرفی کردن دین با کمک مفاهیم دینی و با زبان دینی حتی در دوره مشروطه - در برابر عرف هم شریعت و هم ارباب فرمان می دهد.

خدا بیش از چارچوب دینی در چارچوب سنتی تعریف می شود. لذا مذهب را تنگ نمی گیرند و عرف و عادت بر دین غلبه می کند.

انسان و طبیعت سازگاری با جهان از طریق تلاش بی وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی، آرمان دگرگونی بالنده دنیا و جهان برایشان حاوی طرد و لذت توامان - در لحظه خوشی کردن و در مجموع به دیده حقارت نگرستن به آن سازگاری با آنچه هست و بی تلاشی برای تغییر - عدم پیدایش تخصص و تقسیم کار و در کنار آن وجود حس پذیرش و جابجایی آنچه هست از طریق تقلید - امور هنری و تزئینی جات به این روش رشد کرده است.

جهل و ناآگاهی نسبت به اطراف و جهان ماده - سستی در پذیرش علم - بی سوادی و عدم مطالعه و آشنایی با اطراف

پیدایش فرهنگ کار ایرانی بر اساس موارد یاد شده لذا ضعف اراده ،

چهارمین کنگره انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ناموزونی، بی‌مهارتی و تنبلی و اتلاف وقت از آن ناشی می‌شود.

انسان و پیامبری سنت و روحانیون آداب و رسوم شناخته شده اجتماعی از دین را نظاره کرده
رهبری جهان را بدان گونه و نمایندگی خدا بر زمین هستند. محل رجوع مردم از تولد تا مرگ و
دینی که هست شیطانی مورد مراجعه جهت پرداخت خمس و زکات و ... امور اقتصادی ایشان
جلوه می‌دهد. انسان از خلال همین پرداخت ها تامین می‌شود.

به مدد تلاش خود در دوره یاد شده اصالت نزد ایشان در عدم تغییر بوده مگر در
شرایطی که حضورشان با مشکل مواجه شده بود. درباره تاسیس
مدارس، عدالتخانه و مشروطه مواضع اغلب در راستای تحکیم جایگاه
نیکی دست یابد.

ارتباط نهاد دینی و نهاد سلطنت به شکل دائمی و موقت - بسته به
پادشاهانی که سرکار بودند. گاهی پادشاه با کسب مشروعیت خود را
نماینده خدا بر زمین می‌دانست.

انسان و تبعیت همه مناسبات روابط انسانی متکی به خانواده‌گرایی افراطی و ترجیح منافع قوم، ایل
انسان از وظایف و خانواده و پذیرش و تعصب در سلسله مراتب ایلی و پذیرش سختی
انسان در برابر خداوند های خانواده بر دوش خود .

در خارج از خانواده روابط و تعاملات زیاد و در این تعاملات ادب
ذاتی و افراطی رعایت شده اما ظاهر و درون متفاوت و رفتارها
منافقانه - نبود کار تیمی و سهم بری و تعاون

در جریان این ارتباطات بیرونی بسته به نفع شخصی و خانوادگی
دارای روحیه فریب و دلال صفتی و نیرنگ - رفتاری که از طرف
همتایان مورد پذیرش و تشویق قرار می‌گیرد.

نبودن زمینه عمومی تعامل و لذا عدم شکل‌گیری اخلاق عمومی -
نبودن آزادی در رفتار بر اساس خصلت ذاتی دارای همراهی با هم
ردیف و تکبر با پایین تر و خضوع با بالادست به عنوان اصل

انسان و خویشتن داری باور به سرنوشت مقدر و انفعال و بی‌حرکتی و باور به بی‌تاثیری در
سرنوشت هوشیارانه به منظور آینده هستی - تلاش برای زیستن در لحظه حال و تلاش برای فهم
مقدرات از طریق توسل به فراماده و یا رویابافی
انشا و تحقق اراده
تلاش برای رسیدن به رستگاری اخروی از طریق خویشتن داری در

الهی
برابر خواست های مادی - در مقابل برخی خویشتن داری ظاهری
برای حفظ آبرو و اعتبار می کنند.

وجود فرهنگ انتظار و مهدویت و تحویل جهان به منجی و تفسیر
غالبا غیر حرکتی از مفهوم انتظار

انسان و قانون و توافق عقلانی نبود قانون و توافقات عقلانی از پیش مشخص و نامنی نسبت به
سرمایه به مثابه مبنای مالکیت - احترام به قانون نیست ولی پول برای صرف شخصی
(اقتصاد) معاملات تجاری، احترام دارد - زمینداری صرفه اقتصادی دارد .

قانون ها و انجمن
های داوطلبانه ، قانون
و تشکیلات اداری
عمومی

علاقمندی به مشاغل بدون زحمت و پول درآوردن های خارج از
قاعده - مشاغلی مانند خدمتکاری و مزدبگیری دولتی
روحیه مصرف گرا و تجمل گرایانه صرف فارغ از هرگونه تلاش و دنبال
سودجویی آنی بودن - تجمع ثروت برای مصرف خوب و نه برای
پس انداز و تولید

ثروت به مثابه وسوسه
و نتیجه جنبی یک
زندگی توأم با فضیلت
متکی به معدود سرمایه های غیر ریسکی برای گذران زندگی و علاقه
به وام و قروض و بی اخلاقی در پرداخت دیون و عهدها - حمایت
عموم از مظلومین و بدهکاران

استیلاي روابط خانوادگی در کار

تعامل انسان با خدا

یکی از مهم ترین تعاملاتی که انسان ایرانی یا دینی دارد تعاملش با خداست. درواقع این تعامل است که تا اندازه زیادی بر روی باورها و رفتار دینی افراد تاثیرگذار است. شناخت جایگاه خدا در زندگی ایرانیان به نظر می رسد از جهات متعددی برای یافتن رفتار اقتصادی ایشان تاثیرگذار باشد. خدای ذهن فاعل ایرانی خدایی فردانیوی است. اما این خدای واحد در این دنیا نیز قادر مطلق است. خداوند وضع کننده تقدیر و سرنوشت ایرانیان است و هرچند که درباره تقدیر و جبر و اختیار آموزه های متعددی در تعالیم اسلامی وجود دارد، اما عینیت بروز یافته از این تعالیم درواقع تصویرگر خدایی است که سرنوشت و تقدیر انسان ها در دست اوست. اوست که در مقدراتش خیر و شر، گرفتاری و بلا، گشایش و آسایش و یا فقر و رفاه را معلوم نموده است. خدایی که حتی درکوچکترین فعالیت های روزمره زندگی جریان دارد و سرنوشت ساز است.

«باور تقدیرگرایی یک پنداشته عام بود که بین عامه مردم و تجار و یا حتی روحانیون در گرایش به این باور تفاوتی وجود نداشت. تجار نخبه و بزرگ آن دوران نیز در توجیه کسادی بازار و نبودن پول، تقدیر یا خواست الهی را عنوان می کنند و وسیله دفع این مشکل اقتصادی را در دعا و نذر و استغاثه به درگاه الهی می دانند.» (ترابی، ۱۳۸۴: ۷۲)

این باور تا بدانجا پیش رفته که در بین برخی از ایرانیان حتی اندک تلاشی برای تغییر در اتفاقات ناخوشایند نیز دیده نمی‌شود. به عنوان مثال به تصویری که هانری رنه دالمانی درباره مواجهه برخی از ایرانیان با بهداشت و بیماری می‌توان اشاره کرد:

«در میان ایرانیان کودکان نوزاد نیم‌عربانی نیز دیده می‌شوند که وسایل بهداشت ابتدایی هم برای آنان فراهم نشده است. این موجودات کوچک از کودکی رنج می‌کشند و مبتلا به چشم درد و امراض دیگر می‌گردند و چون والدین آنها معتقد به قضا و قدر و نصیب و قسمت هستند، درصدد معالجه آنها بر نمی‌آیند و می‌گویند هرچه مقدر شده همان خواهد شد و سرنوشت کسی را نمی‌توان تغییر داد. علت اصلی بی‌اعتنایی و عدم مراقبت آنها همین اوهام است و نمی‌توان گفت که پدر و مادر علاقه‌ای به فرزندان خود ندارد.» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۵)

چنین سرنوشت مبهمی که به تمامی به دست پروردگار رقم می‌خورد، نه نیاز به حرکت و فعالیت که نیازمند شناخت منفعلانه است. شناختی از سر کنجکاوی‌های انسانی برای اینکه در این طالع چه چیزی رقم خورده است. شناخت چنین سرنوشتی نیز توسط اموری فرامادی تنها میسر خواهد شد.

از این روست که هرچه در تاریخ جلو می‌رویم و مشاهده می‌کنیم پرداختن به استخاره و فال و نجوم برای شناخت صحت و سقم حرکت‌هاست. اینچنین است که در ایران دوره قاجار کاری انجام نمی‌شده جز با گرفتن تقویم و سعد و نحس ایام. جالب اینجاست که این ماجرا هیچ قاعده‌ای هم نداشته است. از شاه مملکت گرفته که برای حرکت و سفر خویش تقویم می‌دیده و حتی در موقع تاجگذاری سلاطین هم این نکته باید کاملاً رعایت شود و در ساعت سعدی انجا می‌شده (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) تا بازاری و تاجری که مدام حتی برای زمان معامله‌اش استخاره می‌کرده و توده‌ی مردمی که برای خوش یمن بودن زمان استفاده از جامه‌ی جدیدشان نیز به دنبال ساعت خوب آن بوده‌اند. آنها «بدون مشورت با منجمان نه به سفر می‌روند و نه به کار مهمی دست می‌زنند. منجمان اول باید وضع گردش ستارگان را بررسی و با توجه به اهمیت موضوع نظر خود را اعلام کنند. این منجمان گاهی در مسائل پزشکی هم دخالت می‌کنند.» (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۰۵) همین باور باعث می‌شود که دست به یک سری افعال هم بزنند. افعالی که با هیچ منطقی قابل توجیه نیست ولی ایشان بر این باورند که اگر با اعتقاد انجام شوند، نتیجه خواهند داد. (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۴۲)

در کنار باور به خدای واحد مقوله‌ای به اسم دینداری نیز مهم به نظر می‌رسد. دینداری در اسلام بیشتر به تعبد و بندگی و گردن نهادن به قوانین و دستورهای اسلامی تعریف می‌شود. هرچند که تعبد و دینداری دارای یک پوسته و ظاهر بیرونی و یک ایمان و یقین درونی است. آنچه در روایت‌ها از دینداری ایرانیان گفته می‌شود بیشتر یک دینداری سنتی است. دینداری‌ای که تحت تاثیر عرف و فرمان ارباب هم می‌تواند باشد. دینداری فارغ از هرگونه تعصبات دینی. در واقع به گونه‌ای خداپرستی بدون تعبد را نزد ایرانیان روایت کرده‌اند. «انکار وجود خدا در میان ایرانیان خیلی به ندرت یافت می‌شود ولی خداپرستی بدون دینداری بسیار رایج است. و این نوع طرز تفکر که مخصوصاً در بین طبقات بالای اجتماع به کرات دیده می‌شود به صورت یک لاقیدی مذهبی تجلی می‌کند که البته دوامی ندارد و غالباً بعد از گذشت مدتی - در زمان پیری - صاحبان اینگونه عقاید به مرام اولیه خود و پیروی از اصول مذهبی رجعت می‌کنند.» (لیدی شیل، ۱۳۶۸: ۱۵۲)

البته اینگونه نیست که رفتارهای دینی در کردار ایرانیان نمایان نباشد. در واقع آنچه درباره رفتار دینی ایشان روایت شده ناظر بر این موضوع است که دینداری در میان ایشان وقتی به امور ظاهری مرتبط می‌گردد با جدیت و حمیت زیادی پیگیری می‌شود. اموری مانند خمس و زکات که در ارتباط مستقیم با روحانیت در آن روزگار است، یا برپایی نماز و روزه و اقامه مجالس عزا در زمان‌های خاص و بر ذمه گرفتن نذورات متعدد از جمله اموری است که بسیار بدان اهمیت می‌شده است. اموری که ترک آنها به گونه‌ای عاملی برای طرد اجتماعی نیز می‌توانست باشد. (شهری ۴، ۱۳۷۱: ۲۷۹) اما آنجا که به دینداری در خفاء بازمی‌گشت بسیار درباره سهل گرفتن‌های افراد آمده است. دینداری‌ای که حتی بر خود محرمات را حلال و واجبات را ترک می‌گوید.

«ایرانی‌های حالیه با وصف تعصب مذهبی چندان قیدی به اجرای قواعد و رسوم ندارند. مذهب آنها بیشتر شبیه است به لباس گشادی که در هر حال به کار می‌خورد و تنگ نمی‌گیرند و به منزله علامت یک فرقه ایست نه این که مذهبی باشد که زندگانی و اخلاق مردم از آن رو به راه درستی آید. ولی رفتار ایرانی‌ها در این مسئله غرابت ندارد و نباید گمان کرد که چون آنچه را باور نمی‌کنند مجری می‌نمایند پس عمل آنها ریا و تزویر است بلکه در جمیع مذاهب همین طور است. و بعد از تعصب اولی، مذهب کم کم منحصر می‌شود به عادات و رسوم ظاهری. (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۵)

اما نکته‌ای که در این میان وجود داشته و دارد نحوه مواجهه با "خدا" است. خدای سنتی‌ای که در باورها جریان دارد و در زندگی‌ها دیده می‌شود. خدایی که آرام آرام به عرصه سنت ایرانی وارد می‌شود و زمینه‌ای می‌شود که با عرف و عادت تلفیق گشته و تساهل در دینداری را به ارمغان آورد.

دینداری آنچنان با سنت می‌آمیزد که آرام آرام تفاوت قائل شدن میان دینداری و عادت کاری بس دشوار می‌نماید. در چنین شرایطی به راحتی جای هر امر دینی با امور عرفی و عاداتی تعویض می‌شود و پیامد این امر قدسی شدن برخی سنت‌ها و عاداتی است که شاید تنها به دینداری شناخته شود و نشانه‌ای از امور دینی هم نداشته باشد. از این‌روست که می‌توان بخش زیادی از باورهایی که در نگاه اولیه در ارتباط با دین و دینداری افراد تلقی می‌گردد را برآمده از سنت و خواست و عرف اجتماعی دانست. از این‌روست که برخلاف نگاه پروتستانی دین نه راهبر امور اقتصادی می‌شود و نه به‌طور مستقیم بازدارنده.

تعامل انسان با طبیعت و هستی

یکی دیگر از زمینه‌های تعامل ارتباطی است که بین انسان با طبیعت یا جهان هستی برقرار می‌شود. آنچه وبر درباره اخلاق پروتستان نشان داده است عبارت از نوعی سازگاری با جهان از طریق تلاش بی‌وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی بوده است. اما با توجه به نوع تعاملی که انسان ایرانی با خدا و باور به سرنوشت برقرار می‌کند نمی‌توان انتظار فعالیت و تحرک را در راستای ساخت جهان انتظار داشت. حس ایرانی نسبت به جهان هستی حاوی طرد و لذت توامان است. درواقع با توجه به خصائص تقدیرگرایانه‌ی ایرانی می‌توان به نوعی خوشی لحظه‌ای و تحقیر دائمی از جهان و زندگی مادی نزد ایرانیان دست یافت.

وقتی جهان و طبیعت موضوع علاقه و انگیزه برای کار نباشد نمی‌توان انتظار داشت که کنکاش، شناخت و هرگونه تغییری در اصول و قوانین مصرح در این جهان ارزشمند به نظر برسد. این جهان تنها به کار استفاده‌های آنی و

خوشی‌های لحظه‌ای می‌تواند بیاید. ایرانی جماعت میل به تفریح و گلگشت در طبیعت را بسیار داشته و علیرغم تمام سختی‌های راه بسیار سفر می‌کرده، سفرهایی که در راس آنها سفرهای زیارتی بوده است.

«یکی از تفریحات مهم ایرانی به تفرج رفتن دسته جمعی است در دشت و صحرا و در سایه درختانی که چندان فراوان نیست با صرف مقدار متناهی شیرینی‌های خوشمزه و چای تازه دم. در این گردش‌ها زنان نیز شرکت می‌کنند اما همیشه در حوزه خانواده» (دلریش، ۱۳۷۶: ۷۱)

همین نوع نگاه زمینه‌ای برای دوری گزیدن ایرانیان از تحصیل سواد و آموختن علم تجربی است. در واقع می‌توان اینچنین بیان نمود که تا زمانی که جهان به عنوان یک امر بیرونی برای ایشان موضوعیت پیدا نکرده بود، تحصیل علم فی‌نفسه دارای ارزش نبود و از علم تنها به خواندن و نوشتن اکتفا می‌کردند. همین امر عاملی برای جهل مفرط نسبت به جهان و ماده در دوره مورد مطالعه شده است. این موضوع دامنه‌ای فراگیر دارد و در بین کلیه طبقات اجتماعی جاخوش کرده است.

«تاجر ایرانی سواد ندارد، کتاب نمی‌خواند، روزنامه نمی‌خواند، سفر می‌کند، سررشته در محصول به عمل آوردن ندارد که آن را چگونه به کاربرد، روحش خبر ندارد ایران به چه محتاج است، حیران است چه برای مملکت بد است، از فهم آن عاجز است، تاجر ایرانی حساب ندارد، خودش هست و ریش و توپی و اشرف‌الحاج روی اسمش و مجلس روضه خوانی سرسالش، دیگر چه دارد، شاید میل هم ندارد که چیزی بداند، در این حال این هیکل عبارت است از یک عمامه آب طلاکاری و یک ریش انبوه مشکی یا قرمز، سر و قد خمیده در قبای سه چاکی با صورتی عبوس و به خیال خودش موقر، آیا توقع دارید تجارت ایران بهتر از این باشد؟» (حبل‌المتین، سال ۱۳۳)

نبودن علم و سواد در جای خود به نوعی زمینه‌ای برای شکل نگرفتن تخصص در جامعه می‌شود، عاملی که می‌تواند موید تقسیم کار در عرصه صنعت و تکنولوژی نیز باشد. وقتی بداعت و خلاقیت به دلیل آشنا نبودن با جهان ماده از جامعه‌ای رخت بربندد، توان و انرژی مردمان آن سرزمین به نوعی معطوف به تقلید از آنچه دیگران دارند و می‌تواند برای زندگی مورد استفاده قرار گیرد و یا زمینه‌ی زیبایی‌شناسانه داشته باشد شود. از این‌روست که در تعاملی که ایرانیان با جهان بیرون برقرار نموده‌اند هرگونه تقلید از صنایع و یا امور طبیعی ارزشمند قلمداد شده و ایرانیان آن صاحب مهارت شده‌اند. علاقمندی و مهارت مокدی ایشان در زمینه خلق آثار هنری ناشی از این امر می‌تواند باشد. «ایرانی قوه ابداع چندانی ندارد اما در کار تقلید سخت کوشاست. او زود مطلب را می‌گیرد.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۸)

موضوعیت عدم تلاش برای تغییر جهان و ماده اطراف در کنار تقدیرگرایی مفرط ایرانی فرهنگی را ایجاد نموده که مختص ایشان است و با "کار به مثابه ارزش" وبری که در آموزه‌های لوتری به آن اشاره شده بسیار متفاوت است. آنچه از سر انفعال در هر تغییر عاید انسان ایرانی شده بی‌تلاشی، تنبلی، گذراندن اوقات فراغت به بطالت، بی‌مهارتی، ضعف اراده و ناموزونی است. خصائصی که مستقیماً می‌تواند بر روی امور اقتصادی در جامعه‌ای تاثیرگذار باشد.

«در ایران یک معامله شیئی ساعتها طول می‌کشد و احیانا خرید چند ذرع پارچه از صبح تا ظهر دوام پیدا می‌کند و در طی این مدت فروشنده و مشتری مرتباً با هم حرف می‌زنند و گاه اتفاق می‌افتد که مطلقاً از اصل موضوع

خارج شده اند و فروشنده برای مشتری روایات تاریخی و سرگذشت های باستانی و ضرب المثل ها و حکایات و افسانه ها را نقل می کند.

این طرز معامله با منطق اروپایی که برای وقت قایل به قیمت و اهمیت است جور در نمی آید ولی با منطق ایرانی موافقت دارد زیرا این ملت یعنی توده برای زندگی این دنیا و قیمت وقت و غیره اهمیتی قائل نیست و فقط برای دنیای دیگران قائل به اهمیت می باشد.

... از همان آغاز کودکی این ملل دنبال چیزهای نامعلومی می روند که متعلق به این دنیا نیست و شاید در دنیای دیگر هم یافت نشود ولی در عوض برای یافتن این چیز موهوم و نامعلوم همه حقایق مادی حیات را مهمل می گذارند.» (دوگوبینو، ۱۳۸۵: ۱۴۹)

تعامل انسان با رهبری دینی

یکی از ویژگی‌هایی که وبر درباره رهبری دینی در اخلاق پروتستان مطرح می کند این نکته است که پیامبران سنت جهان را شیطانی معرفی کرده و نیاز به رهبری دینی را برای طی این طریق ضروری می دانند. این نوع نگاه که در جهان ناشناخته‌ای که آینده آن چندان معلوم نیست و آموزه تقدیر به مدل‌های مختلف - چه در آموزه‌های پروتستان و چه در آموزه‌های اسلامی - وجود داشته است، وجود رهبران دینی را ضروری ساخته است. رهبرانی که موید و ضامن آینده و آخرتی سعادت‌مند باشد. از این روست که روحانیون به عنوان نمایندگان دینی در جامعه ایرانی نیز دارای جایگاه ویژه‌ای بودند. ایرانیان از زمان تولد تا زمان مرگ در ارتباط با روحانیون قرار می گیرند و حتی در امورات مربوط به اقتصادیات دینی چون خمس و زکات، این طبقه حضور فعال دارند. بخش زیادی از فعالیت‌های اقتصادی که زمینه‌ی دینی دارند توسط روحانیون به انجام رسیده و همین امر تضمین اقتصادی نهاد روحانیت را نیز برعهده گرفته است.

جایگاه و اعتبار این طبقه تا حدی است که پادشاه نیز مشروعیت خویش را از ایشان کسب می کند و تلاش می کند همواره تاییدکنندگانی از این گروه نزد خویش داشته باشد. میزان نزدیکی سلاطین به روحانیون و تعامل بین ایشان در دوره‌های متفاوت کاملاً مختلف بوده است. همانطور که روحانیون در نزد مردم نمایندگان خدا بر زمین شناخته می شدند به همان میزان پادشاهانی که از ایشان مشروعیت کسب می کردند نیز خود را به گونه‌ای زعامدار امور دینی در جامعه می دانسته اند. این موضوع در دوره‌های متفاوت تفاوت های فاحشی دارد و در دوره مورد بحث به دلیل مقابله و انتقاد روحانیون از شاه این امر به سطح پایینی تنزل کرده بود.

روحانیون در دوره مشروطه به عنوان یکی از حامیان مهم مشروطه قلمداد می شدند. باور به اینکه هرگروهی که در جریان مشروطه از آن دفاع کرده به طمع و بخاطر خواست و باور شخصی یا گروهی خود بوده، نمی تواند از اهمیت و جایگاه این گروه در پیدایش مشروطه بکاهد. هرچند عاملی که به گونه‌ای باعث انحلال و اضمحلال مشروطه شد و اولین جرقه مخالفت‌ها و چند دستگی‌های مشروطه‌خواهان را زد، بازهم حضور روحانیون مشروعه خواه و دسته‌بندی و صف‌کشی های ایشان بوده است.

نکته‌ای که باید در این رهگذر از نظر دور نداشت تنوع و تفاوت‌های موجود در میان روحانیون بوده است. طیف روحانیون از مراجع تقلید بزرگ تا روضه‌خوانان و سادات و طلاب مدارس علمیه را دربرمی گرفته است. تحصیلات

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دینی طولانی اما کم هزینه بود و بستر اصلی تغییر رتبه اجتماعی به حساب می‌آمد (کدی، ۱۳۸۱: ۵۸) از این رو عاملی برای حضور افرادی در میان روحانیون شده بود که چندان بهره‌ای از سواد نداشته‌اند. «و چون مقام روحانیت اهمیت بسیار داشت و مورد تکریم عامه و احترام دولتیان بود و در کلیه امور مداخله داشت هر سال هزارها نفر از زارعین و کشاورزان دهات و کسبه دست از کار خود کشیده و در جرگه طلاب علوم دینیه درمی‌آمدند و از این راه تفوق و برتری بر دیگران پیدا می‌کردند و برای رسیدن بدان مقام کافی بود که مرد بی سواد ریش بلندی گذارده عمامه بزرگی بر سر و عبایی بر دوش گیرد و در مجالس درس و حوزه های علمیه علمای بزرگ برای درک و فهم علوم که بحث شد و بیست سال تحصیل لازم داشت وارد شود بدون آنکه کسی از معلومات آنها سوال کند یا مورد اعتراضی کسی واقع شود.» (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۱)

تعامل انسان‌ها با یکدیگر

روابط انسانی زمینه‌ساز شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی و باعث پیدایش نهادها در سطح جامعه است. در جامعه‌ای مانند جامعه پروتستان انسان به خاطر انسان بودن ارزشمند است و تعاملات انسانی بخاطر انجام وظایف الهی بر روی زمین معنادار است. در این جامعه بخاطر روابط و تعاملات خارج از چارچوب های قومی و قبیله‌ای حقوق و تکالیف افراد در قبال هم به مرور تعریف می‌شود و از آن می‌توان به آموزه‌های حقوق بشر و یا برابری خواهی دست یافت. آموزه‌هایی که در نهایت منجر به پیدایش اخلاق عمومی برای مواجهه‌های انسانی می‌شود. اما اگر روابط انسانی بیشتر در غالب خانواده، قبیله، ایل و دیگر گروه‌هایی که فرد در آنها حضور دارد تعریف شود، در این صورت تمامی روابط در راستای پیدایش یک قدرت مرکزی در مقابل آنچه در بیرون وجود دارد بسیج خواهد شد. در واقع تمامی روابط به منافع خانوادگی و یا ایلی و قبیله‌ای تقلیل داده خواهد شد. در چنین فضایی است که تعصبات خانوادگی و قومی نیز رخ می‌نماید. این تعصبات هم در برابر هجوم خارجی و هم در برابر هرگونه تغییر در عادات و آداب و سلسله مراتب داخلی خود را نشان می‌دهد. فارغ از این فضا انسان ایرانی مراوداتی اجتماعی رانیز داشته است. این مراودات بیش از حد انتظار است. تعامل، ملاقات، گپ زدن، بذله گویی و خوش گذراندن در کنار یکدیگر اصلی است که در مراودات روزانه رعایت می‌شود. یک ادب ذاتی و افراطی در صورت این ارتباطات نشسته است.

«اهالی تهران عموماً مردمانی شوخ و بذله گو و خوش صحبت هستند و بذله گویی و شیرین زبانی خود را در هیچ حالتی از دست نمی‌دهند. ... حتی تاجر موفق کسی است که خصوصیات و روحیه نژادی ایرانی ها را صد در صد داشته باشد، یعنی خوش صحبت، بذله گو و شوخ طبع باشد و تاجر ایرانی غالباً این طور هستند و در بازار مرتب مشغول بذله‌گویی و تعریف حکایات خوشمزه و لطیفه هستند و به همین جهت هم تاجر ایران در مقایسه با تاجر کشورهای دیگر در کار خود موفق هستند.» (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۳)

اما اگر از صورت و ظاهر کمی دور شویم، در کنه و باطن روابط انسانی فرصت طلبی‌های فردی در راستای منافع جمعی را می‌توان دید. آنجاست که صفات حيله‌گری، دغل‌کاری، توسل به دروغ و انواع این خصایص خود را نمایان می‌سازد. خصایصی که از توهم و بدبینی نسبت به اطرافیان و غیر حساب کردن انسان‌های خارج از محدوده خانواده

و قوم به وجود می‌آید. میزان این بدبینی و یا برخورد خاص با افراد بسته به دوری و نزدیکی و میزان مراورده و یا مسئله‌ای به نام نان و نمک خوری یا رودربایستی تعریف می‌شود.

با توجه به آنچه از روابط ایرانیان به دست داده شد می‌توان دلیل عدم توانایی ایشان در انجام کارهای تیمی و یا سهم‌بری را نشان داد. بسیاری از سیاحان از بدبینی فطری ایرانیان نسبت به تعاون و کار تیمی سخن گفته‌اند. (فلور ۱۳۶۵: ۲: ۹۹) از این روست که در میان ایشان کسب و کار مشترک در محدوده خانواده‌ها و در راستای نفع خانوادگی معنادار است.

تعامل انسان و سرنوشت (هدف از خلقت)

وبر هدف از خلقت را در آموزه‌های کالونی خویشتن‌داری هوشیارانه به منظور مهار طبیعت شرورانه و انشا و تحقق اراده الهی تعریف کرده است. اما همانگونه که در رابطه و تعامل انسان با خالق هستی یادآوری شد، موضوع یک سرنوشت از پیش مقدر در این دنیا در سطح فردی و یک آینده‌ای با حضور منجی در سطح عمومی شرایط را در باورهای ایرانی به سمت یک بی‌عملی خواهد برد. از سوی دیگر آنچه در آموزه‌های دینی تبلیغ می‌شود، بهترین هدف از حضور در این جهان را رستگاری اخروی معنا کرده‌اند. این رستگاری از طریق افعال دینی و رفتارهای فردی می‌تواند محقق شود و مابزه‌ای اجتماعی آن در صورت وجود نیز چندان در میان عامه مردم جدی گرفته نشده است. این بی‌عملی و انفعال و این تحقیر زندگی مادی در برابر رستگاری اخروی به گونه‌ای زیستن در لحظه‌ی حال را در میان ایرانیان به ارمغان آورده است. از همین روست که توسل به فراماده، خیالبافی و رویابافی مشاهده شده در میان ایرانیان نیز قابل تبیین خواهد شد.

رابطه انسان و سرمایه (اقتصاد)

"ثروت به مثابه وسوسه و نتیجه جنبی یک زندگی توأم با فضیلت" باوری است که به زعم وبر در میان پروتستان‌ها ریشه دوانده است. اما در جامعه ایرانی آنچه واضح است ثروت یا پول برای استفاده شخصی ارزشمند است، اما از آنجا که منابع در جامعه محدود به نظر می‌رسد و تولید و ارزش افزوده چندان خود را نشان نمی‌دهد، از این رو همین ثروت در نزد دیگری-جز خود فرد- می‌تواند امری مذموم باشد و حتی نشانه‌ای از رفتار غلط اقتصادی صاحب مال. از این رو یکی از ویژگی‌های ایرانیان پنهانکاری در زمینه به نمایش درآوردن میزان ثروت و به نوعی مدفون کردن ثروتشان است. روش دیگر اقتصادی که در برابر ثروت و سرمایه برمی‌گزینند مصرف بی‌رویه آن است. مصرفی که به مرور خاصیت تجملی نیز به خود گرفته است.

«ایرانی صرفه‌جو نیست. او در نحوه استفاده از پولی که به دست می‌آورد مانند اروپایی‌ها به خصوص انگلیسی‌ها عمل می‌کند، و ترجیح می‌دهد به جای پس انداز کردن، پولش را خرج خوب خوردن و خوب پوشیدن بکند. فقیرترین فرد ایرانی خوب می‌خورد و خوب می‌پوشد. به جز در بین فقیرترین رعایا و گروه کثیر گدایان حرفه‌ای کمتر کسی را با ظاهری زنده‌پوش می‌بینیم. فرد ایرانی خواسته‌های متعدد و گوناگونی دارد و در زندگی به مسائل تجملی و ظاهری اشتیاق فراوان نشان می‌دهد.» (گزارش هیات بازرگانی هند، ۱۳۷۳: ۱۳)

باور به تجمیع ثروت بخاطر مصرف بهتر آنقدر جریان دارد که از هر فرصتی برای بهره بردن از اموال و امور مادی باید استفاده کرد. سنت قرض یا وام گرفتن در هر فرصتی، از جمله خصایصی است که بسیار بدان اشاره شده است. «ایرانیان به قدری در فکر وام هستند که وقتی یک گوشواره و یا دست بند و یا قالیچه خریداری می کنند قبل از همه چیز فکر می کنند که آیا در مورد لزوم می توان آن شیء را گرو گذاشت و یا فروخت و به زبان ساده به پول تبدیل کرد.» (گوبینو، ۱۳۸۵: ۳۸)

وام‌هایی که بخاطر عادت به بدعهدی ایرانیان در قبال وثیقه‌های سنگین داده می‌شود و اغلب دارای ربح‌های زیادی است. هرچند که ربا در شرع اسلام حرام شمرده شده اما ایرانیان راه‌هایی را برای موجه جلوه دادن آن پیدا کرده‌اند. سودجویی آنی از جمله خصائص جمع‌کننده موارد بالاست. ایرانیان تاجایی که می‌توانند در بازپرداخت این دیون خویش طفره می‌روند و به بدعهدی در این زمینه شهره هستند.

زمینداری و مالکیت زمین امری است که در ایران در همواره تاریخ ارزشمند شمرده می‌شده است. صرف مال در زمین بهتر از دفن آنها در زمین نزد بازرگانان قلمداد شده و لذا ما صاحب طبقه تاجر زمیندار، کارمندان زمیندار، مزدبگیران زمیندار و ... هستیم.

همانگونه که گفته شد فرهنگ کار در ایران زمینه‌ساز تبلیغ بی‌عملی شده است، از این روست که مزدبگیری مطلوب‌ترین شغل برشمرده می‌شود. مزدبگیری امکان امتناع از کار را در قبال به‌دست آوردن پول فراهم کرده است. پولی که می‌تواند با انعام، رشوه و اموری از این دست چشم‌گیرتر هم به نظر آید. مشاغلی چون خدمتکاری یا کارمندی دولت جزو این دسته از مشاغل به حساب می‌آیند.

«در ایران خدمتکاری خواهان دارد و بخش زیادی از افراد سرشناس نیز از خدمتگذاری به مدارج بالاتر رسیده اند. به دست گرفتن خدمات به عنایات شخصی بستگی دارد و اگر مخدوم را از خادم خوشش آید به شایستگی و کاردانی نیازی نیست.» (دوروشوار، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

نتیجه‌گیری

اخلاق اقتصادی ایرانی آمیزه‌ایست از تقدیرگرایی، سازگاری، محافظه‌کاری و امنیت‌خواهی. معجونی که کلیه رفتار و کنش‌های ایرانی را تبیین خواهد نمود. اگر قرار باشد نه با عینک بدبینی و بدگویی به فرهنگ ایرانیان آن دوره که به جهت توصیف و تبیین شرایط آن روزگار به تاریخ نظر افکنیم، به خصائص بالا برمی‌خوریم. خصائصی که تا حدودی در نزدیکی سنخ آرمانی سنتی مورد نظر وبر قرار گرفته و از روش و منش کالونی فاصله زیادی دارد. هم در مفهوم سرنوشت مقدر و بی‌عملی، هم در مفاهیم مربوط به کار و تلاش و هم در نوع مصرف و پس‌انداز، تفاوت‌های بسیاری با این اخلاق دیده می‌شود. اینچنین است که اگر قرار باشد نسبت به رواج توسعه و رشد و شکوفایی صنعت و اقتصاد در جامعه حساس بود، نمی‌توان بدون تأمل بر فرهنگ و اخلاق و باورهای خاصی که زمینه‌ساز رشد اقتصاد هستند بدان دست یافت.

اخلاق ایرانی که خاستگاه آن باورهای درونی شده‌ی ایشان است، تأثیرات زیادی بر روی نحوه‌ی عملکرد ایشان در ارتباط با امور عملی و اقتصادی داشته است. اموری که مستقیم پیشرفت یک کشور را نشانه می‌گیرد. هرچند

نمی‌توان بخش زیادی از ویژگی‌های یادشده را به عموم ایرانیان نسبت داد، اما وجود این خصائص خود تبیین‌کننده‌ی مسائلی چون تنبلی، بهره‌ی پایین و ... در میان ایرانیان است. شاید در برداشت اول با کمک نظرات وبر بتوان مستقیم سراغ دین رفت و ماحصل مسلمانی را چنین اخلاقی دانست. اما رجوع به تاریخ نشان می‌دهد آنچه بیش از باورهای اسلامی فرد انسانی را درگیر کرده آیین‌ها و عرف به ارث رسیده از گذشتگان است. سنت یا فرهنگ که آغشته به دین هم شده گاهی حتی در تقابل با باورهای اصیل اسلامی درباره ارزش کار هم بوده است. از این‌روست که بیش از هرچیز شناخت سنن و باورهای فرهنگی به ارث رسیده بسیار مهم است. از دیگر سو هرگونه تغییری در شرایط عملی پیشرفت نیاز به تغییر در باورداشت‌های فرهنگی افراد دارد که این تغییر امری یک شبه و دفعی نیست. برای تغییر فرهنگی نیاز به زمان و نخبگان آگاه دارد. بدون شک یکی از محمل‌های قابل توصیه برای ایجاد شرایط تغییر فرهنگی در جامعه‌ی ایرانی می‌تواند رجوع دوباره به باورهای دینی و آیینی باشد.

از سویی دیگر در طول تاریخ به کرات شاهد بروز صنایع نوین و تکنولوژی با معنای عام آن بوده‌ایم، اما جدا کردن تکنولوژی از علم مورد نیاز آنها که به منزله روح عمومی آن می‌باشد، چیزی است که رادعی در برابر توسعه و پیشرفت خواهد بود. این مسئله به معنی وارد کردن فرهنگ بیگانه در کلیت آن نیست، بلکه نظر به پیرایش از برخی عادات و ترویج باورهایی دارد که برای پیشرفت نیاز به آنها ملموس است. همانگونه که گفته شد حل مشکل را باید تنها در خوانش‌های جدید و مروجانی فهیم طلبید.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی ۱۳۷۷
- آرون، ریمون؛ ۱۳۸۶، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی
- اشرف، احمد؛ نظام فئودالی یا نظام آسیایی: نقد و نظری در ویژگی‌های تاریخ ایران، تهران ۱۳۴۷
- اشرف، احمد؛ ۱۳۵۹: موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه، انتشارات زمینه
- آفاری، ژانت؛ ۱۳۸۵: انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، نشر بیستون، چاپ سوم
- بروگش، هنریش؛ ۱۳۸۹: سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه محمد حسین کردبچه، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات
- بندیکس، راینهارد؛ ۱۳۸۲: سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه محمود رامبد، انتشارات هرمس
- بنجامین، ساموئل گرین؛ ۱۳۶۳: ایران و ایرانیان (خاطرات و سفرنامه)، به اهتمام رحیم رضا زاده ملک، نشر گلبانگ، چاپ اول
- پولاک، یاکوب ادوارد؛ ۱۳۶۱: سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، چاپ اول
- تانکوانی، زی.ام؛ ۱۳۸۳: نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر چشمه، چاپ اول
- ترابی فارسانی، سهیلا؛ ۱۳۸۴، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، نشر تاریخ ایران، چاپ اول
- ترنر، برایان؛ ۱۳۷۹؛ ماکس وبر و اسلام، ترجمه سعید وصالی، نشر مرکز

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- دلریش، بشری؛ ۱۳۷۶: زن در دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی هنر، چاپ دوم
- دوروشوار، کنت ژولین؛ ۱۳۷۸: خاطرات سفر ایران، ترجمه مهراں توکلی، نشر نی
- دوگوبینو؛ ۱۳۸۵: سه سال در ایران، ترجمه و اقتباس ذبیح اله منصوری، نگارستان کتاب، چاپ اول
- رنه دالمانی، هانری؛ ۱۳۳۵: سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه و نگارش فره وش (مترجم همایون)، چاپ گیلان
- سیف، احمد؛ ۱۳۷۳: اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه
- شهری، جعفر؛ ۱۳۷۱: تهران قدیم، انتشارات معین، جلد چهارم
- شیل، مری؛ ۱۳۶۸: خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر نو، چاپ دوم
- صدری، احمد؛ ۱۳۸۶: جامعه شناسان روشنفکران ماکس وبر، ترجمه حسن آبنیکی، انتشارات کویر
- علمداری، کاظم؛ چرا ایران عقب ماند و چار غرب پیش رفت؟، تهران، نشر توسعه ۱۳۷۹
- عیسوی، چارلز؛ ۱۳۶۹: تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه. ق)، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ دوم
- فلور، ویلم؛ ۱۳۶۵: جستارهایی در تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، جلد دوم
- فوران، جان؛ مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ پنجم ۱۳۸۳
- کدی، نیکی آر، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ۱۳۰۴ - ۱۱۷۵، ترجمه مهدی حقیقت خواه، نشر اول، چاپ اول ۱۳۸۱
- کرایب، یان، (۱۳۸۴) نظریه ی اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، انتشارات آگه
- کرایب، یان؛ بنتون، تد؛ ۱۳۸۹، فلسفه علوم اجتماعی - بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، نشر آگه، چاپ سوم
- گزارش هیات بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران؛ ۱۳۷۶: اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم، مترجمین: معصومه جمشیدی، محمد تقی حروفچین، محمد عوادزاده، مهرنوش میراحسان، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول
- لمبتون، آ.ک.س؛ ۱۳۷۵: ایران عصر قاجار (ترجمه و گفتاری درباب ایران شناسی)، ترجمه سیمین فصیحی، انتشارات جاودان خرد
- ملکزاده، مهدی؛ ۱۳۸۳: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات سخن
- وبر، ماکس، (۱۳۷۴) اقتصاد و جامعه: مفاهیم اساسی جامعه شناسی، جامعه شناسی اقتصادی، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عباس منوچهری، ترابی نژاد، نشر مولی چاپ اول
- وبر، ماکس، (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، مترجم عبدالمعبود انصاری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- وبر، مارکس؛ ۱۳۸۴: روش شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر مرکز، چاپ دوم
- وبر، مارکس؛ ۱۳۸۲: اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، مترجم عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، انتشارات علمی فرهنگی
- وبر، مارکس؛ ۱۳۸۷: دین . قدرت . جامعه ، ترجمه احمد تدین، نشر هرمس، چاپ سوم
- ولی، عباس؛ ایران پیش از سرمایه داری، ترجمه حسین شمس آوری، نشر مرکز، ۱۳۸۰
- همایون کاتوزیان، محمد علی؛ اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ ششم ۱۳۷۷
- North.Douglas.c.,(1971),Institutional Change and Economic Growth, The Journal of Economic History, Vol. 31, No. 1, pp. 118-125